

قضاوت در مسجد

مرتضی رستگار

چکیده

در این مقاله ضمن بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی کلمه «قضا» کوشیده است با جمع‌آوری نظرات و دیدگاه‌های فقهای متقدم و متأخر در مورد قضا در مسجد ثابت کند که قضاوت در مساجد نه تنها کراهت ندارد؛ بلکه در بعضی مواقع قضاوت در مساجد ضروری است، صاحب مقاله علاوه بر بیان نظرات فقهای بزرگوارمانند خاتم‌المجتهدین شیخ انصاری، محقق حلی، ابن‌برّاج، شیخ طوسی و شیخ مفید رحمه‌الله در پنج قسمت مهم با استناد به بعضی از روایات از جمله از مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام تلاش نمود نظر خود را در عدم کراهت قضاوت در مسجد به اثبات برساند. وی استدلال بعضی از فقها مانند استدلال شیخ طوسی رحمه‌الله را در استناد به مرسله نبوی که فرمودند: *جنبوا المساجد حیثانکم و مجانبینکم و خصوماتکم و الحکومة را مخدوش و غیرقابل اعتماد می‌دانند و می‌گویند منظور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فضای جنجالی همراه با فریاد است که موجب کراهت قضا در مساجد است. ضمناً صاحب مقاله با استناد به سخن امام سجاد علیه‌السلام مسجد را جایگاه مطلق ذکر نمی‌دانند بلکه اعتقاد دارند بسیاری از مشکلات در مساجد حل و فصل می‌شود و اگر مسجد مکان مطلق ذکر باشد خواندن قرآن هم در مساجد غیر از ذکر است و بنابراین نباید قرائت شود.*

اشاره

بی‌تردید مساجد نقشی حیاتی و ویژه در به ثمر رسیدن پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، به حدی که معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی قدس‌سره، در سخنان خود از مسجد به عنوان رمز پیروزی انقلاب اسلامی یاد کردند:

«رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی‌ترسیدند از اینکه بروند

توی خیابان بکشندشان، می‌رفتند خیلی هم کشته می‌شدند، بالاخره هم

با همین فریادها و الله‌اکبرها پیروز شدند، رژیم اسلام این‌طور است که

افرادش از مسجدند، از مسجد نهضت شروع می‌شد...»^۱

از دیگرسو کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند آنچه در احداث و ایجاد يك انقلاب

نقش دارد در بقاء و تداوم آن نیز نقش اساسی خواهد داشت، لذا می‌بینیم بعد از پیروزی انقلاب

اسلامی حضرت امام قدس‌سره بارها و بارها از خالی شدن مساجد اظهار نگرانی می‌کردند

و حفظ مساجد را از «تکالیف عمومی» مسلمانان برمی‌شمردند:

«شما باید هوشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان را حفظ کنید

و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید

دنبال این معجزه نه رها کنید او را، من امروز باید بگویم که تکلیف است

برای مسلمان‌ها حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به آن

وابسته است.»^۲

در جمهوری اسلامی ایران از اول انقلاب تا به امروز با پیدایش نهادها و مراکز دیگر نقش

مساجد رو به افول گذاشته است، به صورتی که برخی را به این باور رسانده است که:

«در نظام جمهوری اسلامی بهتر است هزارگان و نهادی مکان

مخصوص به خود داشته باشد - چنانکه دارد - و مسجد کانون نشر معارف

دین و مرکز تهذیب اخلاق و پرورش دل‌ها و جان‌ها باشد.»^۳

^۱ . صحیفه امام: ج ۹ ، ص ۸۹ .

^۲ . همان: ج ۱۲ ، ص ۱۹ - ۲۱ .

^۳ . مسجد و حکومت، مجله مسجد: ش ۲۹ ، ص ۲۱ .

به نظر می‌رسد این سخن برخلاف نظرات معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره است، ایشان در بیانات متعدد خویش می‌فرمایند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد بود و همه کارهای بزرگ دنیا را هم در مساجد انجام می‌دادند، ما امیدواریم حالا هم مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسجد محل حل و عقد امور باشد».^۴

«از این مساجد همه چیز بیرون می‌رفت، مسجد محل قضاوت بود».^۵

در این مقاله تلاش خواهد شد تا یکی از کارکردهای مساجد در صدر اسلام یعنی «قضاوت در مسجد» را از نظر تاریخی و فقهی مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم ان شاء الله.

معنای لغوی و اصطلاحی قضاوت
ماده قضی در ریشه اصلی خود به معنای احکام و ایتقان امر و اجرای آن در جهت خود می‌باشد و خداوند متعال که می‌فرماید:
«فَقَضَا هُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ».
مراد استوار ساختن آفرینش آسمان‌ها است. قضاء به معنای حکم کردن است، که خداوند در قرآن می‌فرماید:
«فَأَقْضَ مَا أَنْتَ قَاضٍ».

یعنی حکم کن و انجام بده، و اگر قاضی را قاضی می‌نامند به این دلیل است که حکم می‌کند و آن را اجرا می‌نماید.^۶

فقه‌های عظام تصریح دارند که قضاء دارای يك معنای خاص شرعی و یا متشرعی نیست.^۷ ولی در اصطلاح فقها همان‌گونه که مرحوم شیخ انصاری قدس سره از مسالك و كشف اللتام نقل می‌کند به معنای ولایت شرعی بر حکم برای کسی که شایستگی فتوا دارد، در جزئیات قوانین شرعی نسبت به اشخاص خاص از مردم می‌باشد.^۸ مضمون این حکم «اثبات حقوق» برای برخی و یا «استیفاء حق» برای صاحب آن است.

شیخ انصاری قدس سره در جای دیگر^۹ افزون بر این تعریف، «حکم کردن بین مردم بر گونه‌ای خاص» را نیز به عنوان یکی از معانی قضا در اصطلاح فقها نقل می‌کند.

آنچه از کاربردهای قضا در فقه و مباحث مطرح شده در کتاب القضا برمی‌آید این است که «قضا» تنها در موارد اختلاف بین دو نفر و حل این مخاصمه به کار می‌رود. از این رو فقهای معاصر قضا را به «فصل خصومت بین دو طرف تخاصم و حکم به ثبوت ادعای مدعی یا عدم حق برای او نسبت به مدعی علیه»^{۱۰} یا حکم کردن بین مردم برای رفع تنازع از بین آنها^{۱۱} تفسیر می‌کنند.

مقصود از قضاوت در مسجد

پس از روشن شدن معنای لغوی و اصطلاحی قضا؛ مقصود از قضاوت در مسجد نیز روشن می‌شود؛ مقصود آن است که قاضی در مسجد بنشیند و به فصل خصومت بین طرفین دعوا در امر مورد اختلاف بپردازد. ادله وارده حکایت از آن دارد که اصل وقوع قضاوت در مسجد به همین معنا مورد اتفاق علماست؛ لذا هیچ فقیهی قائل به حرمت قضا در مسجد نیست چه اینکه قائل به وجوب هم نداریم. بلکه همه فقهاء قضاوت در مسجد را جایز می‌دانند با این تفاوت که برخی قائل به کراهت قضا در مسجد، برخی قائل به استحباب و برخی تفصیل می‌دهند، برخی نیز احتیاط را در ترك قضا در مسجد می‌بینند و برخی با توجه به ادله اصل جواز و عدم کراهت را ثابت می‌کنند. روشن است که فعلاً محل بحث «صدر حکم» در مسجد است و اجرا و تنفیذ حکم از محل بحث بیرون است.

^۴ . صحیفه امام: ج ۱۷ ، ص ۲۲۲ .

^۵ . همان: ج ۱۵ ، ص ۱۴ .

^۶ . معجم مقانیس اللغة: ج ۵ ، ص ۹۹ .

^۷ . القضاء والشهادات: ص ۲۶ .

^۸ . همان: ص ۲۵ .

^۹ . همان: ص ۲۲۷ . «و فی عرف الفقهاء استعمل تارة فی الحكم بین الناس علی الوجه المخصوص».

^{۱۰} . مبانی تکملة المنهاج: ج ۱ ، ص ۳ .

^{۱۱} . تحریر الوسیلة: ج ۲ ، ص ۴۰۴ . «و هو الحكم بین الناس لرفع التنازع بینهم».

آرای فقیهان

به طور کلی در بین فقهاء پنج قول و نظر مطرح است:

۱ - قضاوت در مسجد به طور مطلق مکروه است. یعنی چه به صورت دائم و چه به صورت مقطعی؛ محقق حلی قدس سره در دو کتاب معتبر و شرائع این نظر را برگزیده است: «و یکره انفاذ الاحکام فشا»؛ مکروه است قضاوت و صدور حکم در مساجد^{۱۲} و محقق نراقی قدس سره در مستند همین نظر را دارد.^{۱۳}

۲ - تفصیل است بین آن زمانی که مسجد به عنوان مکان قضاوت انتخاب شود و پیوسته در آن قضاوت صورت گیرد و بین آن هنگامی که به صورت اتفاقی در مسجد قضاوت شود در صورت اول قضاوت در مسجد مکروه، ولی در صورت دوم کراهتی ندارد. مرحوم محقق حلی در شرائع می‌فرماید:

«والآداب المکروهة... و أن يجعل المسجد مجلسا للقضاء دائما و لایکره لو اتفق نادرا».^{۱۴}

«از جمله آداب مکروه آن است که مسجد پیوسته محل قضاوت باشد. ولی اگر گاهی در آن قضاوت صورت گیرد مکروه نخواهد بود. در بین فقها متأخر مرحوم میرزای قمی در غنائم‌الایام معتقد به این نظریه هستند».^{۱۵}

۳ - قضاوت در مسجد نه تنها مکروه نیست بلکه مستحب است، این نظریه از ظاهر عبارت فقهای نظیر شیخ مفید در مقنعه،^{۱۶} شیخ طوسی در نه‌ایه،^{۱۷} ابن حمزه در وسیله،^{۱۸} ابن ادریس در سرائر^{۱۹} و... استفاده می‌شود؛ عبارت شیخ مفید در مقنعه چنین است:

«ثم يتوضا وضوء الصلاة و یلبس من ثیابه ما یتمکن من الجمال و حسن الهيئة و یرجى الی المسجد الاعظم فی البلد الذی یحکم فیہ».

سپس (قاضی) وضو می‌گیرد و بهترین لباس خود را می‌پوشد و به طرف مسجد اعظم شهری که در آن به قضاوت می‌پردازد حرکت می‌کند. از این که خروج به مسجد اعظم در کنار دیگر مستحبات آمده، استفاده استحباب شده است.

۴ - اگرچه قضاوت در مسجد جایز است ولی احتیاط در ترك آن است، این قول از کلمات صاحب جواهر^{۲۰} و مرحوم شیخ انصاری^{۲۱} استفاده می‌شود.

۵ - قضاوت در مسجد جایز است مطلقا - چه به صورت دائم و چه مقطعی - در هر دو صورت صدور حکم و قضاوت در مسجد هیچ کراهتی ندارد؛ این قول از کلمات مرحوم شیخ طوسی در خلاف و مبسوط^{۲۲} و قاضی ابن‌براج در مهذب^{۲۳} و ابن ادریس در سرائر^{۲۴} و... استفاده می‌شود.

بررسی دلایل آرای مختلف

اکنون دلایل آرای مختلف مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد تا رأی صحیح روشن گردد.

دلیل رأی نخست: محقق حلی در قالب چند کلمه می‌فرماید:

«لأنه یسمع مشاجرة الخصوم والتنازع بالكذب».^{۲۵}

^{۱۲} .المعتبر فی شرح المختصر: ج ۲، ص ۴۵۲؛ شرائع الاسلام: ج ۱، ص ۹۸.

^{۱۳} .مستند الشیعة: ج ۱۷، ص ۵۹.

^{۱۴} .همان.

^{۱۵} .شرائع الاسلام: ج ۴، ص ۸۶۶.

^{۱۶} .المقنعة: ص ۷۲۲.

^{۱۷} .النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی: ص ۳۳۷ - ۳۳۸.

^{۱۸} .الوسيلة الی نیل الفضیلة: ص ۲۰۹.

^{۱۹} .السرائر: ج ۲، ص ۱۵۶.

^{۲۰} .جواهر الکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۷.

^{۲۱} .القضاء والشهادات: ص ۸۸.

^{۲۲} .المبسوط: ج ۸، ص ۷۸.

^{۲۳} .المهذب: ص ۵۹۲ - ۵۹۳.

^{۲۴} .السرائر: ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

^{۲۵} .المعتبر فی شرح المختصر: ج ۲، ص ۴۵۲.

قضاوت در مسجد توابع و لوازمی دارد که گاه ممکن است سبب هتك حریم مسجد گردد و گاه با مشاجره طرفین دادگاه به تشنج کشیده شود و منجر به بالا رفتن صدا، قسم‌های دروغ و نظیر این‌ها گردد و این‌ها مواردی هستند که شارع مقدس از وقوع آن‌ها در مسجد نهی کرده است. دیگر فقها در تبیین این دلیل مواردی مانند منع ورود کفار و مشرکان به مسجد در جهت ادای شهادت یا منع ورود زنان معذور به مسجد را اضافه نموده‌اند.^{۲۶} از این رو بهتر است مکانی را برای قضاوت انتخاب کنند که این قبیل محذورات را در پی نداشته باشد.

بررسی و نقد: در این استدلال فرمودند که قضاوت توابعی دارد، لذا انجام آن در مسجد مکروه است؛ در پاسخ می‌توان گفت توابع و لوازم قضاوت موجب کراهت قضاء که فی نفسه امری مستحب و در برخی از موارد واجب است نمی‌شود؛ زیرا می‌توان با گماردن ضابطان قضایی جلوی هرگونه تشنج و جدالی را گرفت. اما اینکه فرمودند قضاوت در مسجد موجب عدم حضور مشرکان و زنان معذور به عنوان شاهد می‌گردد؛ باید گفت: چه اشکال دارد در این‌گونه موارد شاهدان تا درب مسجد بیایند و سپس قاضی نزد آنان برود و اظهاراتشان را بشنود ممکن است اشکال بشود که: در این صورت مجلس قضاء به هم می‌خورد چون جزئی از مجلس قضاء در داخل مسجد و جزئی در خارج مسجد واقع می‌شود، شاید مراد فقہائی که می‌گویند قضاء در مسجد ممنوع یا مکروه است، همین است که مجلس قضاء با تمام لوازمش در مسجد نمی‌شود؟ در پاسخ عرض می‌شود: اگر این فقہاء چنین منظوری داشتند باید در کلمات خود آن‌ها تبیین می‌شد و حال آنکه هیچ‌کس اشاره هم نکرده است.

علاوه بر اینکه نمی‌توان پذیرفت که با چند قدم حرکت قاضی و شنیدن شهادت شهود، مجلس قضاء به هم بخورد. گذشته از این موارد؛ حضور مشرکین و کفار در مسجد فی نفسه منعی ندارد مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتك حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد. زیرا به شهادت تاریخ، پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد نمایندگان مشرکان را به حضور می‌پذیرفتند

و با آنان به گفت‌وگو می‌پرداختند و شاید بر همین اساس است که برخی از فقہای معاصر در پاسخ به استفتائی مبنی بر حکم ورود غیرمسلمان به مساجد مسلمین؛ می‌نویسند:

«لامانع من دخولهم فی المساجد فی نفسه غیر المسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله الا ان یكون مستلزما لتنجیس المسجد أو هتك حرمة أو موجبا لمكث الجنب فی المسجد».^{۲۷}

ورود آنان [غیرمسلمانان] به مسجد غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله فی نفسه

منعی

ندارد، مگر آنکه موجب نجس شدن یا هتك حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد باشد.
۲ - قائلین به کراهت به روایات نیز تمسك کرده‌اند؛ اینان در تثبیت نظر خود به چهار روایت مرسله استناد کرده‌اند:

الف: مرسله علی بن اسباط: محمد بن علی بن المحبوب عن الحسن بن موسی الخشاب عن علی بن اسباط عن بعض رجاله قال ابو عبدالله علیه‌السلام: «جنبوا مساجدکم البیع والشراء والمجانین والصبيان والاحکام والصاله والحدود و رفع الصوت».^{۲۸}
امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«مساجدتان را از خرید و فروش، ورود دیوانگان و بچه‌ها، صدور حکم، اعلام گمشده‌ها، حدود و فریاد دور نگه دارید».

ب: مرسله شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه است که با مختصر جابجایی همان متن روایت فوق است.^{۲۹}

ج: مرسله نبوی است که مرحوم شیخ طوسی در مبسوط آن را نقل می‌کند:

«جنبوا المساجد صبیانکم و مجانینکم و خصوصانکم والحکومة».^{۳۰}
«مساجد را از بچه‌ها، دیوانگان و دعواها و حکومت و قضاوت دور نگه دارید».

²⁶ . جواهرالکلام: ج ۴۰ ، ص ۸۰ .

²⁷ . أجوبة الاستفتاءات: ج ۱ ، ص ۱۲۹ ، س ۴۲۹ .

²⁸ . تهذیب الاحکام: ج ۳ ، ص ۲۴۹ ، ج ۲ .

²⁹ . من لایحضره الفقیه: ج ۱ ، ص ۲۷۲ ، ج ۷۱۵ .

³⁰ . المبسوط: ج ۸ ، ص ۷۸ .

د: مرسله نبوی است که شیخ در میسوط نقل می‌کند که:
 أن النبی صلی الله علیه وآله سمع رجلاً ینشد ضالّة فی المسجد. فقال: لا وحدثها أنّما
 بنیت المساجد لذكر الله والصلاة».^{۳۱}

پیامبر صلی الله علیه وآله شنیدند که مردی در مسجد از گمشده‌اش سخن می‌گوید. فرمود: پیدایش
 نکنی! همانا مسجد برای ذکر خدا و اقامه نماز ساخته شده است.
 از انضمام روایات مذکور هرچند همگی مرسله هستند این نتیجه حاصل می‌شود
 که معصومین علیهم السلام از قضاوت کردن در مسجد نهی کرده‌اند.
 بررسی و نقد: همان‌گونه که خود قائلین به این نظر در طرح این ادله مطرح کرده‌اند؛
 هر چهار روایت مطرح شده و مورد استناد مرسل و غیرقابل اعتماد می‌باشند و تنها در صورتی
 می‌توان به آن‌ها عمل کرد که روایت قوی‌تری برخلاف نداشته باشیم - که داریم - اما ممکن
 است کسی بگوید: مراسیل شیخ صدوق قدس سره حکم مسانید را داشته و معتبر است به دلیل اینکه
 ایشان در کتاب اول من لایحضره الفقیه فرموده‌اند:
 «بل قصدت الی ایراد ما افتی به و أحکم بصحته واعتقد أنه حجة
 فیما بینی و بین ربی».^{۳۲}

من در این کتاب قصد کرده‌ام چیزی را بیاورم که به آن فتوا داده و حکم به صحت آن
 می‌کنم و اعتقاد دارم که آن حجت است در بین من و پروردگار من، بنابراین تمام کسانی
 که در اسناد این روایات بوده و مرحوم صدوق آنان را حذف کرده‌اند، عادل و ثقه بوده‌اند،
 لذا این مراسیل حجت است.
 در پاسخ عرض می‌کنیم که اولاً: در اعتبار و عدم اعتبار مراسیل شیخ صدوق بین فقهاء
 اختلاف است و ثانیاً: نهایت چیزی که از عبارت شیخ صدوق در اول کتاب استفاده می‌شود این
 است که ایشان حزم یا اطمینان به صدور این روایات داشته‌اند و حزم و اطمینان ایشان سبب
 عدالت روایات سند یا وثاقت آن‌ها نمی‌شود، زیرا در مواردی که ایشان سند را ذکر کرده‌اند رواتضعیف وجود
 دارد و ثالثاً: بر فرض بپذیریم که شیخ صدوق به صدور اطمینان داشته‌اند،
 این سؤال مطرح می‌شود که آیا اطمینان ایشان برای دیگران نیز حجت است؟^{۳۳}
 اما از جهت دلالت فقها چند احتمال مطرح کرده‌اند:
 الف: مقصود از احکام، صدور حکم نیست بلکه اجرای آن است که فقهاء اتفاق دارند بر
 کراهت آن در مسجد.
 ب: مقصود فضای جنجالی یا فریاد است، که با وزانت و متانت مسجد سازگار نیست.
 ج: مقصود ائمه علیهم السلام احکام صادره از عامه است که باطل است و ائمه علیهم السلام از این
 راه
 می‌خواستند راه را بر قضاوت آنان ببندند.^{۳۴}
 هرچند برخی از این احتمالات ضعیف می‌باشد لکن قوت احتمال اول کافی است
 که دلالت این روایات را نیز مخدوش کند. پس روایات چهارگانه سنند و دلالة مخدوش
 و غیرقابل استنادند، و به این ترتیب قول اول ابطال می‌شود.
 دلیل قول دوم: صاحب شرایع مرحوم محقق حلی دلیلی برای ادعای خود اقامه نمی‌کنند
 ولی میرزای قمی در غنائم پس از آنکه وجوه و اقوال در مسأله را مطرح می‌کنند می‌فرمایند:
 «والأظهر فی الجمع بین الروایات القول بالکراهة فی صورة
 الادمان لامطلقاً...».^{۳۵}

أظهر در جمع بین روایات جواز قضاوت بر مسجد و ادله کراهت قضاء در مسجد؛
 این است که بگوییم اگر قضاوت دائمی باشد مکروه و اگر مقطعی باشد کراهت ندارد.
 نقد: با ذکر نکاتی که در پاسخ از ادله قائلین به کراهت مطرح کردیم زمینه‌ای برای این‌گونه
 جمع باقی نمی‌ماند.
 دلایل قول سوم: همان‌گونه که در طرح نظر سوم بیان شد، این نظر از ظاهر کلمات فقهاء
 استفاده می‌شود؛ برای این نظریه به دو دلیل استدلال شده است:

۳۱ . همان.

۳۲ . من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳.

۳۳ . ر. ک. کلیات فی علم الرجال: ص ۲۸۲ - ۲۸۴.

۳۴ . ن. ک: جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۶ - ۱۱۷.

۳۵ . غنائم الأيام: ج ۲، ص ۲۴۱.

۱ - مسجد محل یاد و ذکر خداست و قضاوت و حل و فصل اختلافات از مصادیق یاد خداوند است.

۲ - قضاوت از برترین اعمال است و لذا باید در شریف‌ترین اماکن صورت پذیرد و مکانی که دارای این ویژگی باشد فقط مسجد است.

محقق نراقی در مستند پس از مطرح کردن دو دلیل این‌گونه به نقل آنها می‌پردازد:
اولاً: نمی‌توان پذیرفت که مسجد برای مطلق ذکر باشد بلکه طبق روایت جعفر ابن ابراهیم از امام سجاد علیه‌السلام که پیامبر خدا فرمودند:

«مَنْ سَمِعَ مَوْهَ بِنَشِيدِ الشَّعْرِ فِي الْمَسَاجِدِ فَقُولُوا قَضَى اللَّهُ فَانْأَمَّا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^{۳۶}.

اگر شنیدید کسی در مسجد شعر می‌خواند به او بگویید: خداوند دهانت را بشکند! مسجد برای قرآن ساخته شده است. مساجد جای قرآن است و بر فرض بپذیریم که مسجد مطلق ذکر است؛ ذکر بودن قضاوت را قبول نداریم.

ثانیا: پس از نصوصی که بر کراهت قضاء در مسجد اقامه کردیم، مستحب دانستن قضاوت در مسجد اجتهاد در مقابل نص است و این بالوجدان و بالاتفاق باطل است.^{۳۷}

به نظر می‌رسد هم دلیل قائلین به استحباب و هم نقدی که بر آنها مطرح شد مخدوش است: خدشه در دلیل استحباب به این است که: استحباب نیز مانند وجوب و حرمت و کراهت حکمی از احکام الهی است که باید با دلیل آن را ثابت کرد. اما خدشه در کلام محقق نراقی به این است که:

اولاً: از روایت «انما نصبت المساجد للقرآن» نمی‌توان استفاده حصر نمود و حصر در این روایت قطعاً حصر اضافی است. زیرا اگر حصر حقیقی باشد باید دعا و توسل و حتی نماز خواندن در مسجد زیر سؤال برود. صرف‌نظر از حصر اگر قضاوت بر طبق قرآن باشد با روایت فوق منافات ندارد.

ثانیا: هر عملی که برای کسب رضای خدا و خدمت به بندگان او انجام شود از مصادیق یاد خداست و قضاوت به حق، یقیناً از این دسته است.

اما اینکه فرمودید قول قائلین به استحباب اجتهاد در مقابل نص است؛ اگرچه این قول اجتهاد است ولی قطعاً در مقابل نص نیست زیرا نصوص مزبور سندا و دلالة مخدوش هستند.

دلایل قول چهارم: مرحوم شیخ انصاری پس از طرح قول به کراهت و جواز قضاء در مسجد و بیان ادله طرفین در پایان بحث می‌فرماید:

«والمسئلة محل اشكال الا أن الترك أولى»^{۳۸}.

اما صاحب جواهر بر این مدعا دو دلیل اقامه می‌کنند:

۱ - قضاوت در مسجد چه بسا مستلزم وقوع در مکروهات باشد. خصوصاً با توجه به تفاوت جوهری و اساسی بین قضاوت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام با سایر انسان‌ها.

۲ - احتمال می‌رود قضاوت در مسجد به غیر ما انزل الله حکم کنند به دلیل تقصیر در مقدمات حکم یا تبعیت کردن از امیال و هواهای نفسانی.^{۳۹}

بررسی و نقد: اولاً: آیا ترس از افتادن در مکروه یا حکم به غیر ما انزل الله می‌تواند مانع از جواز قضاوت در مسجد باشد! خصوصاً با توجه به قرائن و مستنداتی که دلالت می‌کند خود ائمه علیهم‌السلام به شاگردان و صحابه خود دستور می‌دادند تا در مسجد به قضاوت بنشینند و یا روایاتی که دلالت می‌کند ائمه علیهم‌السلام دیگران را از قضاء در مسجد نهی نمی‌کردند که در ادله قول پنجم به آنها اشاره خواهیم کرد.

ثانیا: احتمال خطا در قضاوت به علل عدیده امکان‌پذیر است ولی اگر قضاوت در مسجد به خاطر این احتمالات باید ترك شود، در سایر امکنه هم این احتمال وجود دارد

و تعطیلی امر قضاء سبب اختلال نظام می‌شود که یقیناً برخلاف خواسته شارع مقدس می‌باشد. علاوه بر اینکه نظیر احتمال خطا در جهت صدور حکم و قضاوت در صدور فتوا و اجتهاد نیز هست، پس باید صاحب جواهر ملتزم شود که به دلیل احتمال خطا باید از صدور فتوا نیز اجتناب کرد و یا

حداقل احتیاط در ترك آن است؟! و بالاخره اینکه: چرا صاحب جواهر پس از رد نظریه قائلین به کراهت و اثبات جواز قضاء در مسجد به دلیل ترس از افتادن در مکروه یا احتمال خطا فتوای به احتیاط می‌دهند؟ در حالی که مقتضای ادله جواز قضاء در مسجد است.

دلایل قول پنجم: مرحوم شیخ طوسی در کتاب خلاف^{۴۰} سه دلیل بر اثبات این قول اقامه

^{۳۶} . الکافی: ج ۳، ص ۲۶۹، ح ۵.

^{۳۷} . مستندالشیعة: ج ۱۷، ص ۵۹-۶۰.

^{۳۸} . القضاء والشهادات: ص ۸۸.

^{۳۹} . جواهر الکلام: ج ۱۴، ص ۱۱۷.

^{۴۰} . الخلاف: ج ۶، ص ۲۱۷.

می‌کنند:

۱ - جواز مقتضای اصل است، تا وقتی که دلیلی بر کراهت یا حرمت قائل نشود، حکم بر جواز است.

۲ - سیره و مکان قضاوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد بوده است و اصولاً مکانی جز مسجد برای قضاوت حضرت نقل نشده است و اگر قضاوت در مسجد مکروه بود قطعاً پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آنجا را برای امر قضاوت برنمی‌گزید.

۳ - امام علی علیه‌السلام در مسجد جامع کوفه قضاوت می‌کرد و «دکة القضاء» حضرت تا به امروز معروف است.

محقق نراقی در مستند به دلیل اول و سوم اشکال می‌کنند به اینکه:

اصلی در ما نحن مندفع است به آنچه که از ادله بر کراهت قضا در مسجد ذکر کردیم، چون الاصل دلیل حیث لادلیل؛ تمسک به اصل در جایی است که اماره برخلاف نباشد.

جواب از اشکال محقق نراقی از مطالب گذشته روشن می‌شود، زیرا ثابت کردیم که ادله مذکور سندا و دلالة مورد خدشه و غیر قابل اعتمادند.

ایشان در ارتباط با دلیل سوم هم سه اشکال مطرح می‌کنند:

الف: اصل ثبوت چنین دکه‌ای برای قضاوت ثابت نیست.

ب: بر فرض که ثابت باشد، ثابت نیست که «دکه القضاء» باشد.

ج: بر فرض که «دکه القضاء» باشد از کجا معلوم که جزء مسجد بود و امام علی در آن قضاوت می‌کرده، شاید آن زمان جزء مسجد نبوده است.^{۴۱}

در پاسخ هر سه اشکال این محقق عرض می‌شود که: هر سه نقد این عالم بزرگ، تشکیک در يك امر واضح و مسلم تاریخی است چرا که اصل ثبوت و «دکه القضاء» بودن آن و قضاوت حضرت در این مکان، از مسلمانی است که پیوسته فقهای ما در طی قرون گذشته به آن در این باب استدلال کرده‌اند؛ و در دلیل چهارم بر قول پنجم که روایات است خواهد آمد که حضرت در این مکان به حل و فصل امور قضایی می‌پرداختند. حتی در برخی روایات نحوه قضاوت حضرت با تمام جزئیات ذکر شده است. بنابراین احتمالات مذکور از محقق نراقی در آن حد از قوت نیست که استدلال را دچار خدشه و ایراد نماید.

برخی دیگر مثل مرحوم فاضل هندی صاحب کشف اللثام اشکال کرده‌اند که:

مواظبت بر قضاء امام علی علیه‌السلام در مسجد جامع ثابت نیست و حضرت در بعضی از اوقات و قضا در آنجا به قضاوت می‌پرداختند.^{۴۲}

در پاسخ عرض می‌کنیم که: این برداشت هم صرف ادعاست. زیرا اولاً؛ چه دلیلی بر اثبات آن دارید و ثانیاً این برداشت بر خلاف ظاهر است زیرا يك مکان با يك یا دو بار قضاوت اتفاقی که «دکه القضاء» نامیده نمی‌شود.

۴ - مهمترین دلیل ما بر جواز قضاوت در مسجد، پس از اتفاق علما بر وقوع قضاء از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام، روایات است؛ که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

(الف) «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن عمر بن اذينة قال: كنت شاهدها ابن ابي لیل فقضى فی رجل... فقال له محمد بن مسلم الثقفی: اما ان علی بن ابي طالب علیه‌السلام قد قضی فی هذا المسجد بخلاف ما قضیت...»^{۴۳}

عمر بن اذینه نقل می‌کند که قاضی ابن ابی‌لیلی در ارتباط با موضوعی حکمی صادر کرد، پس از صدور حکم محمد بن مسلم ثقفی خطاب به او گفت: آگاه باش که امام علی علیه‌السلام در همین مسجد نظیر همین قضیه را به نحو دیگری قضاوت کرد... . حدیث از دو جهت مقصود ما را اثبات می‌کند.

اول: محل قضاوت ابن ابی‌لیلی مسجد بوده چون در روایت هست؛ امام در همین مسجد که تو قضاوت می‌کنی.

دوم: مکان قضاوت امام علی علیه‌السلام نیز مسجد بوده است.

(ب) «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن علی بن ابي حمزة عن ابي بصير عن ابي جعفر علیه‌السلام قال: دخل امیر المؤمنین المسجد فاستقبله شاب... ففرق بينهم و أفیم کل رجل منهم الی أسطوانة من أساطین المسجد و رؤسهم مغطاة بثيابهم ثم دعا بعبدالله بن ابي رافع كاتبه فقال هات صحيفة و دواة و جلس امیر المؤمنین علیه‌السلام فی مجلس القضاء و...»^{۴۴}

⁴¹ . مستند الشیعة: ج ۱۷، ص ۶۰ .

⁴² . کشف اللثام: ج ۱، ص ۲۰۲ .

⁴³ . الکافی: ج ۷، ص ۲۴، ج ۲۷ .

⁴⁴ . الکافی: ج ۷، ص ۳۷۱، ج ۸ .

روایت طولانی است خلاصه‌اش این است که جوانی به حضرت شکایت کرد از همسفران پدرش؛ که پدرم با اموال فراوانی با گروهی به تجارت رفت و اینک همسفرانش برگشته‌اند و او برنگشته و آنان ادعا می‌کنند که او در بین راه مرده است. وقتی می‌پرسم پس اموالش کجاست؟ می‌گویند: او مالی نداشت! نزد شریح قاضی رفته‌ام و او حکم به برائت آنان صادر کرده است. حضرت دستور داد همسفران را حاضر کردند و فرمود: یکی یکی و جدا و جدا در نزد ستون‌های مسجد بایستند و سپس کار بازجویی را شروع کردند و در نهایت افراد اعتراف به قتل کردند.

از روایت فوق نه تنها قضاوت حضرت در مسجد ثابت می‌شود بلکه نحوه قضاوت و داشتن جایگاه قضاء در مسجد نیز قابل اثبات است.

(ج) روایت دیگری که می‌تواند مؤید ما باشد، این روایت است که: وقتی امام علی علیه‌السلام شنیدند، شریح در منزل خود قضاوت می‌کند فرمود:

«یا شریح! اجلس فی المسجد فانّه اعدل بین الناس وانه وَهَنَ بِالْقَاضِي ان يَجْلِسَ فِي بَيْتِهِ»^{۴۵}

ای شریح! در مسجد قضاوت کن که برای عدالت بین مردم این بهتر است. همانا نشستن در خانه و قضاوت کردن مایه وهن نسبت به قاضی است. اگر از این روایت استحباب قضاء در مسجد استفاده نشود، حداقل جواز مستفاد است ولی سند روایت مرسل است لذا فقط می‌تواند مؤید باشد.

(ر) از روایت دیگری که نیازی به ذکر آن نیست، می‌توان استفاده کرد که اعلام حکم قضائی در مسجد جایز است.^{۴۶}

با ثبوت این‌گونه از قضاء، قضاوت قاضی تحکیم به طریق اولی جایز خواهد بود. علاوه بر اینکه قضاوت در مسجد از نظر روانی هم برای طرفین دعوا و هم برای قاضی آرامش بیشتری به همراه دارد. زیرا همگان به مقدس بودن این مکان ایمان دارند و فضای مسجد خود به خود باعث می‌شود افرادی که در آنجا حضور پیدا می‌کنند از مسائلی نظیر دروغ گفتن، شهادت به باطل، سوگند دروغ و نظایر این‌ها پرهیز کنند و این خود سبب قضاوت به حق از سوی قاضی خواهد شد.

منابع

- ۱- أجوبة الأستفتائات: السيد الخامني، دارالنبأ، ۱۴۱۵ هـ ۱۹۹۵ م.
- ۲- غنائم الأيام في مسائل الحلال والحرام: الميرزا ابوالقاسم القمي، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ۳- جواهر الكلام: الشيخ محمد حسن النجفي، دارالكتب الاسلامية، ۱۳۶۵ ش .
- ۴- كليات في علم الرجال: الشيخ جعفر السبحاني، قم، جامعه المدرسين، ۱۴۱۶ ش .
- ۵- شرايع الاسلام في مسائل الحلال والحرام: المحقق الحلي، انتشارات استقلال، تهران، ۱۴۰۹ هـ .
- ۶- كشف اللثام: بهاء الدين محمد بن الحسن بن محمد الاصفهاني (الفاضل الهندي) قم، مكتبة سيد المرعشي النجفي، ۱۴۰۵ هـ .
- ۷- صحيفه امام خميني قدس سره: موسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خميني قدس سره .
- ۸- مسجد و حكومت: سيد احمد خاتمي، مجله مسجد، ش ۲۹ .
- ۹- المعترف في شرح المختصر: محقق حلي، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ هـ ش .
- ۱۰- مستند الشيعة: محقق نراقي، مشهد، آل البيت، ۱۴۱۵ هـ .
- ۱۱- المقنعة: الشيخ المفيد، قم، جامعه المدرسين، ۱۴۱۰ هـ .
- ۱۲- النهاية في مجرد الفقه والفتاوى: الشيخ الطوسي، بيروت، دارالاندلس .
- ۱۳- الوسيلة الى نيل الفضيلة: ابن حمزة الطوسي، قم، مكتبة السيد المرعشي، ۱۴۰۸ هـ .
- ۱۴- السرائر: ابن ادريس حلي، قم، جامعه المدرسين، قم، باقری ۱۴۱۵ هـ .
- ۱۵- المبسوط في فقه الامامية: الشيخ الطوسي، المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۱ ش .
- ۱۶- المهذب: القاضي بن البراج، قم، جامعه المدرسين، ۱۴۰۶ هـ ق .
- ۱۷- دعائم الاسلام: نعمان بن محمد تميمي مغربي، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ ق .
- ۱۸- تهذيب الاحكام: شيخ طوسي، تهران، دارالكتب الاسلامية، ۱۳۶۵ هـ ش .
- ۱۹- الكافي: شيخ كليني، تهران، دارالكتب الاسلامية، ۱۳۶۵ هـ ش .
- ۲۰- الخلاف: شيخ طوسي، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ۱۴۱۷ هـ ش .
- ۲۱- معجم مقائيس اللغة: ابوالحسين احمد بن فارس بن زكريا، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ هـ ق .
- ۲۲- مبانى تكملة المنهاج: السيد الخوئي قدس سره، قم، دارالهادي، ۱۴۰۷ هـ ق .
- ۲۳- تحرير الوسيلة: الامام الخميني قدس سره، قم، اسماعيليان .

^{۴۵} . دعائم الاسلام: ج ۲ ، ص ۵۳۴ ، ح ۱۸۹۸ .

^{۴۶} . الكافي: ج ۷ ، ص ۱۸۵ - ۱۸۶ ، ح ۱ .